

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (قرآن کریم ۱۳:۱۱)

مردم شریف ایالات متحده آمریکا، دانشمندان، دانشجویان و اصحاب رسانه

با تقدیم احترام و با درودی سپاسگزارانه به روان پیامبران بزرگ به ویژه نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلوات الله علیهم هفت ماه پیش ارتش متجاوز ایالات متحده آمریکا با نقض قوانین بین‌المللی در جنایتی جنگی با حمله به دبستان میناب و کشتار ۱۶۸ کودک دانش آموز و همزمان حمله به دفتر کار امام سید علی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی و به شهادت رساندن معظم له و خانواده از جمله نوه ۱۴ ماهه ایشان جنگی را علیه ایران آغاز کرد که طی آن تا کنون بیش از ۳۶۰۰ نفر غالبا غیر نظامی از جمله ۴۰۰ کودک به شهادت رسیدند و ۸ دانشگاه، ۳ بیمارستان و ۸ مدرسه بمباران گردید. اما با وجود ناجوانمردی‌ها و جنایات بی‌سابقه در این جنگ، آمریکا و اسرائیل به سختی شکست خوردند و انقلاب اسلامی به پیروزی قاطع دست یافت.

در تاریخ جنگ‌های بی‌پایان آمریکا حقیقت اولین قربانی و مردم آمریکا قربانی همیشگی این جنگ‌ها بوده‌اند. هزینه این جنگ‌ها را مالیات دهندگان آمریکایی می‌پردازند، پس حق دارند از حقایقی که از آن‌ها پنهان نگه داشته می‌شود اطلاع یابند. بیایید با چند پرسش آغاز کنیم.

چرا ایران پیروز شد و ارتش آمریکا با بودجه سالانه صد برابر نیروهای مسلح ایران و با سلاح و تجهیزاتی صدها برابر در جنگ با جمهوری اسلامی شکست خورد؟

آیا ایرانیان با مردم آمریکا دشمنی دارند؟ اگر نه پس چرا مردم ایران شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دهند؟ آیا ادعای دولت آمریکا در مورد تروریست بودن سپاه صحیح است؟

چرا تلاش‌های گسترده ۴۸ ساله رژیم آمریکا برای برگشت سلطه بر مردم ایران دائما شکست می‌خورد؟

چرا با ادامه روند فعلی حکومت آمریکا با سرعت رو به زوال است؟

آینده این جنگ چه می‌شود؟ مردم آمریکا چگونه می‌توانند خود را از تبعات تجاوزات ظالمانه نجات دهند و از فروپاشی پیش رو رهایی یابند؟

این‌ها مسائلی هستند که می‌خواهیم در این نامه صمیمانه با شما در میان بگذاریم. اگر در صداقت ما تردید کردید می‌توانید با یک سفر کوتاه هر جای ایران که دوست دارید حتی تنگه هرمز را بازدید کنید و صحت اظهارات ما را شخصا بیازمایید.

عوامل پیروزی ایران در تقابل با تهاجم آمریکا

چرا ایران با بودجه سالانه دفاعی معادل یک صدم بودجه دفاعی آمریکا در جنگ پیروز شد؟

برای شناخت پیروز جنگ باید دید کدام طرف به هدف خود رسیده است. مقامات و نهادهای آمریکایی و اسرائیلی ابتدا گفتند هدف از حمله به ایران «تغییر نظام جمهوری اسلامی» و «تجزیه ایران» است. اما پس از شکست در این دو هدف در جنگی بدون راهبرد هر هفته هدف جدیدی مطرح کردند:

«تسلیم بدون قید و شرط ایران»، «تصرف جزیره خارک و سلطه بر نفت ایران»، «حمله زمینی و تصرف خاک ایران»، «انهدام کلیه زیرساخت‌های صنعتی»، «نابودی تمام زیرساخت‌های انرژی و بردن ایران به عهد حجر»، «نابود سازی تمدن ایران»، «انجام عملیات آزادی و در دست گرفتن تنگه هرمز»، «جلوگیری از صادرات و واردات به ایران»، «نابود سازی صنعت هسته‌ای»، «نابود سازی توان موشکی و پهپادی»، «ضمیمه کردن تنگه هرمز به خاک آمریکا و اخذ عوارض ۲۰ درصدی»، «نابودسازی پدافند هوایی و در دست گرفتن آسمان ایران» و «پایان دادن به حمایت ایران از مقاومت اسلامی» ۱۳ هدف جدیدی بودند که رئیس جمهور آمریکا بعد از شکست در دو هدف اولیه در خلال جنگ مطرح کرد.

آمریکا و اسرائیل هزاران بمب و موشک بر ساختمان‌های اداری و مسکونی، تسلیحات سنتی قدیمی و زیرساخت‌های فرعی نظامی و غیرنظامی ریختند ولی جز تخریب بخشی از صنعت هسته‌ای و تعداد محدودی سایت پدافندی هیچ پیشرفتی در اهداف اعلامی نداشتند.

اینک بعد از ۷ ماه جنگ ظالمانه، ارتش آمریکا با بودجه سالانه‌ی صد برابر و تجهیزاتی صدها برابر ایران، با وجود آنکه ارتش اسرائیل (مدعی چهارمین قدرت تسلیحاتی جهان) را هم به کمک گرفت به هیچکدام از اهداف ۱۵گانه اعلامی خود نرسید و هدف پنهان جنگ یعنی به فراموشی سپردن جنایات فجیع اسرائیل در فلسطین هم محقق نشد و پرونده نسل‌کشی غزه همچنان در صدر دغدغه‌های افکار عمومی جهان باقیست.

مصادیق عینی پیروزی جمهوری اسلامی

پیروزی ایران فقط در ناکام گذاشتن دشمن در تحقق اهداف خود خلاصه نشد. پیروزی بزرگ این بود که هیمنه ارتش آمریکا شکسته شد و آمریکا در این جنگ از اریکه ابرقدرتی به پایین کشیده شد، این پیروزی بزرگ ما شکست جبران‌ناپذیر برای استکبار بود، بیش از ۲۰۰ فروند پهپاد راهبردی گران‌قیمت، ۱۲ فروند هواپیمای سوخت‌رسان و ترابری، ۳۰ فروند جنگنده، حداقل یک هواپیمای آواکس، ده‌ها فروند بالگرد، ده‌ها سامانه راداری و پدافند هوایی بسیار گران‌قیمت و بیشتر از ۳۵۰ واحد از تاسیسات و زیرساخت‌های پایگاه‌های نظامی آمریکا نابود شدند، توان عملیاتی ۱۸ پایگاه آمریکا در منطقه به صفر نزدیک شد. مهم‌تر از همه این‌ها پیروزی‌های شگرف راهبردی بود:

- ۱) دستاورد حاکمان آمریکا از چند دهه جنگ شناختی برای غربگرا کردن نسل‌های جدید ایران و بیگانه کردن آن‌ها با فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی خاکستر شد. خطای بزرگ آمریکا در ائتلاف با رژیم منفور اسرائیل و شهادت رهبری و کودکان معصوم میناب ماهیت جنایتکار حکمرانان آمریکا را برای نسل جدید ملموس کرد و با مصمم کردن آنان به جهاد، تداوم انقلاب اسلامی تا دو نسل بعد تضمین شد.
- ۲) جنگ رسانه‌ای برای بدبین کردن مردم آمریکا به ایران کم‌اثر شد، جایگاه ایران در افکار عمومی آمریکا با سرعت رو به ارتقاء است. و شناخت و نفرت عمومی آنان از عامل اصلی جنگ یعنی اسرائیل بشکل ملموسی فزاینده است.
- ۳) اتحاد ملی ایرانیان عمیق‌تر شد، نیم قرن بسترسازی دشمن برای تجزیه ایران از بین رفت و اقوام بیش از هر زمان به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند.
- ۴) برای اولین بار در تاریخ، ایران کنترل عملیاتی بر تنگه هرمز اعمال کرد، ناوگان آمریکا به عمق اقیانوس هند فرار کرد و دیگر حتی یک شناور نمی‌تواند در اسکله ناوگان پنجم آمریکا پهلو بگیرد.
- ۵) ذخایر موشکی و پهپادی ایران نابود نشد، بلکه تولیدات آن با فناوری پیشرفته‌تر و در شرایطی آسیب‌ناپذیر بیشتر شد.
- ۶) پدافند هوایی ایران هر روز که از جنگ گذشت بالغ‌تر و قوی‌تر شد و نهایتاً با عملکرد خیلی قوی‌تر اولین بار جنگنده‌ها را سرنگون کرد.
- ۷) در شروع جنگ مردم در خیابان‌های منامه و دوحه شاهد فرار نظامیان آمریکایی از پایگاه‌ها بودند که با لباس زیر دنبال جایی برای پنهان شدن می‌گشتند. در روزهای بعد هم بیانیه‌های رسمی ارتش آمریکا مرتباً آمار خروج نیروهای آمریکایی از منطقه را اعلام می‌کرد. پایگاه‌های آمریکا به خانه‌ی ارواح شبیه شده و مقدمات انحلال آن‌ها فراهم آمده است.
- ۸) حمایت ایران از مقاومت بسیار عمیق‌تر شد و حتی آمریکا در تفاهم‌نامه، وحدت میدان‌های مقاومت را به رسمیت شناخت.
- ۹) تمدن ایران نه تنها نابود نشد بلکه درخشش بیشتری یافت، ایران در دل ملت‌ها جایگاه بسیار رفیع‌تری یافت. اعتبار سیاسی و موقعیت جهانی ممتاز ایران با قبل از جنگ قابل قیاس نیست. کفایت در سفر به سایر کشورها وانمود کنید که یک ایرانی هستید در هر جای دنیا خواهید دید غالباً با واکنش تحسین آمیز مردم، چه مسلمان چه مسیحی و بودایی و حتی بسیاری از یهود و بی‌دین‌ها مواجه می‌شوید.
- ۱۰) پیروزی ایران خودآگاهی و خودباوری عظیمی در ملت‌های جهان ایجاد کرده که منشا بزرگترین تحولات تاریخی در اعمال اراده ملت‌ها و پایان زورگویی‌ها خواهد بود.
- ۱۱) اقدام غیر قانونی ارتش آمریکا در ممانعت از تردد آزاد کشتی‌ها در اقیانوس هند که دولت آمریکا آن را محاصره دریایی تنگه هرمز نام نهاده عملاً موجب شکوفایی بیشتر تولید داخلی و افزایش شدید ظرفیت تعامل اقتصادی ایران و همسایگان گردید.
- ۱۲) شهادت امام خامنه‌ای نظام ولایت فقیه را به دنیا معرفی کرد. افسانه دروغین دیکتاتور بودن ولایت فقیه با تشییع عاشقانه ده‌ها میلیونی و اداره بدون کوچکترین اختلال کشور بدون حضور رهبری باطل و حقانیت و برتری این نظام اثبات و برای همگان احراز شد:

- ولایت فقیه یعنی اوج محبت، مهرورزی و اعتماد متقابل میان مردم و حکمرانان

- ولایت فقیه یعنی قدرت ایستادگی در مقابل قدرت‌های شیطانی با تسلیحات صدها برابری و پیروزی با سلاح‌های صددرصد بومی و بدون هیچ کمک خارجی

- ولایت فقیه یعنی تسخیر قلوب ملت‌های جهان در مقابل دشمنی با رسانه‌های چند هزار برابری

- ولایت فقیه یعنی خالی نبودن قفسه حتی یک فروشگاه پس از ۴۸ سال تحریم و تخریب اقتصادی

- ولایت فقیه یعنی پرشتاب‌ترین پیشرفت علمی جهان در شدیدترین تحریم‌های علمی و فناوری

- ولایت فقیه یعنی ۳۷ سال حکمرانی بدون کوچکترین امتیاز مادی برای خود و فرزندان و زندگی در سطح طبقات محروم

علت اصلی پیروزی ایران

علت اصلی پیروزی ایران پهلادها و موشک‌ها نیستند. آمریکا و اسرائیل هم موشک و پهلاد بیشتر و هم تسلیحات متنوع دیگری دارند که ما نداریم. علت اصلی پیروزی ما سه چیز است مکتب و جهان‌بینی ممتاز توحیدی قرآن، ایمان و وحدت ملت حول مکتب قرآن و رهبری الهی.

۱. مکتب

ایران زادگاه پرآوازه‌ترین و درعین حال ناشناخته‌ترین انقلاب‌های دوران معاصر است. انقلابی بر پایه‌ی قرآن، دین خدا و در امتداد پیامبران و مصلحان بزرگ الهی؛ ریشه‌ی استوار و اندیشه‌ی زیربنائی این انقلاب جهان‌بینی توحیدی قرآن است

صداقت، آزادی، برابری انسان‌ها، عدالت اجتماعی و احترام به حقوق دیگران، خودآگاهی افراد جامعه، خیرخواهی و ترجیح آرمان‌های انسانی بر آرزوهای شخصی از اصول اجتماعی نظام اسلامی است. در اندیشه‌ی قرآنی افراد بشر، برادران و خواهران یکدیگر و همه بندگان خداوند. میان نژادها، رنگ‌ها، مردم سرزمین‌ها هیچ تفاوت نیست، و این‌ها مایه‌ی برتری کس یا ملتی نیست. انسانیت پیوسته است، و تعرض به یک انسان تجاوز به همه‌ی انسانیت است.

بنیان فکر ما بر پایه هدف بعثت انبیا ایمان به خدا و قیام برای عدالت است از قرآن آموخته ایم «نه ستم کنیم و نه ستم بپذیریم». باید بازوی خود را برای حراست از این ارزش‌ها نیرومند کنیم، راه را بر شیطان‌های شر و فساد ببندیم؛ با جهل و ظلم بستیزیم، و از علم و عدل و آزادی پاسداری کنیم. تسلیم در برابر دشمنان فضیلت و عدالت، رضایت به نابودی این ارزش‌هاست. راز تسلیم‌ناپذیری ملت ایران با وجود دشمنی‌های مستمر ابرقدرت‌ها پایبندی به این اصول است.

۲. ملت منسجم حول محور این مکتب

این مبانی صرفاً مسائل نظری نیست، ملت پرانگیزه و فداکار ما الگوهای عملی از قرآن دارند که اسطوره‌های برجسته تاریخند و هر ملتی به آن‌ها اقتدا کند شکست‌ناپذیر خواهد شد.

اگر می‌خواهید راز شکست‌ناپذیری ملت ایران را بدانید واقعه عاشورا را بخوانید و امام حسین (ع) الگوی ایرانیان در ایستادگی تا پای جان برای عدالت و پاکی را بشناسید؛ او مظلومانه و تشنه لب سر بریده شد اما هرگز تسلیم ظلم نشد.

می‌خواهید بدانید چرا ملت ایران از قساوت شدید ارتش آمریکا در کشتار کودکان میناب نترسید و عقب نشست؟ ماجرای عطش را بخوانید حضرت علی اصغر نوزاد امام حسین (ع) را بشناسید؛ او که با لب تشنه روی دستان پدر با تیر دشمن شهید شد.

می‌پرسید چرا ایرانی‌ها با وعده‌های فریبنده گمراه نمی‌شوند؟ آن را در واقعه دست‌های بریده شده حضرت عباس (ع) جستجو کنید؛ او که امان نامه دشمن را رد کرد و در راه آوردن آب برای کودکان تشنه به شهادت رسید.

رمز موفقیت ملت ایران در مقابل ۴۸ سال تحریم‌های شدید و توطئه‌های بی‌پایان را می‌توانید با مرور حماسه صبر و ایستادگی حضرت زینب (س) کشف کنید؛ او که در حال اسارت با خطبه‌های بلیغ رو در روی حاکمان ظالم ایستاد بانویی که مانند حضرت مریم مقدس (س) سرور زنان جهان است.

۳. رهبر شایسته و صالح

علت اصلی پیروزی ما با امکانات ناچیز در مقابل ارتش‌هایی با سلاح‌های نامحدود داشتن رهبری است که براساس شاخص‌های این مکتب تعیین شده و تجسم این الگوهای بی‌نظیر تاریخ است؛ رهبری که عادل است و می‌تواند مسیر اجرای عدالت هموار کند. امام سید مجتبی خامنه‌ای که با فرماندهی بی‌نظیر خود دو قدرت تسلیحاتی برتر جهان را مستأصل کرد. رهبری خدا ترس و عادل، دانشمندی حکیم و زاهدی پاک و شجاع، این چیزی است که نیروهای مسلح و کشور شما کم دارد و فاقد آن است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی رهبر و فرمانده کل قوا ولی فقیه است که توسط توسط گروهی از خبرگان و فقها شناسایی می‌شود که آن خبرگان هم در انتخابات مستقیم توسط مردم انتخاب شده‌اند. ولی فقیه الزاماً باید دارای پنج ویژگی باشد:

اول: دانشمندی برجسته و فقیه و حکیمی خردمند

دوم: عادل؛ به کسی ظلم نکرده و ظلم نکند

سوم: باتقوا؛ دور از گناه و سرگرمی به منافع شخصی

چهارم: آگاه به مسائل زمان

پنجم: شجاع

الگوی تاریخی این حکمرانی پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) برجسته‌ترین دانشمندان و پاک‌ترین و عادل‌ترین حکمرانان تاریخ بشریت هستند.

نمونه چنین رهبری در عصر حاضر امام شهید سید علی خامنه‌ای بود که توسط ارتش تروریستی آمریکا به شهادت رسید. او با مردم به قدری عادلانه و محبت‌آمیز رفتار کرد که مردم هر روز به راهنمایی‌های او تشنه‌تر می‌شدند. دنیا شاهد بود که بعد از ۳۷ سال رهبری، چنان در قلوب مردم جا داشت که ده‌ها میلیون نفر او را در اقیانوس اشک‌های خود تشییع کردند. او نه فقط در ایران، بلکه در نزد مردم جهان احترامی خاص داشت. در کشور عراق که قبلاً بر اثر تحریک آمریکا و ظلم صدام ۸ سال با ما در جنگ بود ۱۲ میلیون نفر مردم فهیم و کریم و بامعرفت عراق پیکر او را در یک مسیر ۸۰ کیلومتری به مدت ۲۳ ساعت تشییع کردند و در فراق او چون مادری فرزند ازدست‌داده می‌گریستند. اطمینان داریم اگر این تشییع در لندن و نیویورک هم انجام می‌شد همین صحنه‌های پر از عشق و عاطفه تکرار می‌شد.

علت اصلی شکست آمریکا و اسرائیل

شکست فرماندهان مغرور به سلاح‌های بی‌نظیر و پرتعداد با ارتشی خسته و فرسوده و فاقد هدف و آرمان مشترک که ۷۰ سال بدون وقفه در جنگ‌های بیهوده و بی‌حاصل بوده عجیب و غیرمنتظره نبود. امپراتوری‌های بزرگ تاریخ همه در چنین شرایطی فروپاشیده‌اند.

ارتشی که نمی‌داند چرا باید پیوسته در اینجا و آنجای دنیا بجنگد؟ چرا باید در جنگ‌هایی وارد شود که هیچکدام عاقبت خوش و سودمندی نداشته است؟ چرا باید برای هیئت حاکمه‌ای زراندوز که هیچوقت از منافع شخصی برای اهداف ملی و اعتقادی نمی‌گذرند جان خود را به خطر اندازد؟ چرا باید برای رژیم وحشی غاصب اسرائیل بجنگد؟ چرا باید از ایدئولوژی‌ای تبعیت کند که به هیچ مرز انسانی و ارزش اخلاقی پایبند نیست؟ تفکری که در آن ستمگری قبحی ندارد ننگ کودک‌کش و جنایتکارنامه‌شدن را برای ارتش به دنبال دارد. ارتشی که هیچ الگوی افتخارآمیزی ندارد و ناچار باید از فیلم‌های تخیلی و بازی‌های خشن رایانه‌ای الهام بگیرد. همه این مشکلات که هر یک به تنهایی برای شکست یک ارتش کافیست ناشی از یک نقص اساسی است: «فقدان رهبری شایسته».

اما علت اصلی شکست آمریکا با انبوه سلاح‌هایش، نه تنها فقدان رهبری صالح است، بلکه اگر فرماندهی کل قوای ایالات متحده را آنطور که رهبری در ایران سنجیده می‌شود با معیارهای دانشمندی، حکمت، صداقت، پاکی و تقوا، شجاعت و آگاهی به زمان بسنجید تصدیق می‌کنید که به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز و غیرقابل‌باور صددرصد برخلاف این شاخص‌های صحیح شایستگی انتخاب شده است.

امنیت ملی و خون نظامیان آمریکا به کسی سپرده شده که نه فقط به‌شدت دروغ‌گوست، شدیداً حریص به دنیا و زراندوز است؛ در روابط با کشورهای ثروتمند از آن‌ها رشوه می‌گیرد و براساس منافع شخصی خود با آنان عمل می‌کند. در روابط بین‌المللی به‌جای دستگاه‌های رسمی، اعضای خانواده و شرکای تجاری خود را نماینده آمریکا قرار می‌دهد، و حتی نواخت جنگ را نه براساس منافع ملی آمریکا بلکه براساس پرکردن جیب خود و خرید و فروش سهام برای خود و اطرافیانش تنظیم می‌کند.

خیلی روشن است که در رویارویی این دو رهبر، خدا از کدامیک حمایت می‌کند؛ و واضح است که در نبرد مؤمنان مظلوم و عدالتخواه با دولت ظالم و متجاوز آمریکا خدا هیچگاه در طرف ارتش‌های ظالم و کودک‌کش نخواهد ایستاد.

رئیس جمهور آمریکا مدام می‌گوید ما بزرگترین ارتش جهان با سلاح‌های پایان‌ناپذیر را داریم. همین واقعیت بزرگترین دلیل بی‌کفایتی فرماندهی کل این نیروهاست، چرا که با وجود داشتن چنین ارتش بزرگی همیشه و همه جا بازنده است. در ویتنام ننگ ابدی را بجا گذاشت، از افغانستان فرار کرد، از عراق اخراج شد، در جنگ یمن گریخت و امروز در ایران به‌سختی شکست خورد.

پیروزی وابسته به امکانات نیست، خدا قدرتمندتر از همه قدرت‌ها است، هر طرفی را کمک کند پیروز است. همان خدایی که نوح را با سیل عالمگیر بر مستکبران غلبه داد و ابراهیم را از آتش نمرود رهانید؛ خدایی که یوسف را از قعر چاه رهانید و حاکم مصر کرد و موسی و قومش را از دریا عبور داد و فرعون و لشکریانش را غرق کرد؛ خدایی که به عیسی اجازه داد تا مرده‌ها را زنده کند امروز می‌خواهد فرعون دوران را غرق کند و خواهد کرد.

آیا ایرانیان با مردم آمریکا دشمنی دارند؟ اگر نه چرا شعار «مرگ بر آمریکا» می‌دهند؟ نسبت سپاه با تروریست‌ها چیست؟

درد مشترک ملت‌های ایران و آمریکا

ملت ایران و ملت آمریکا هر یک به نوعی گرفتار ظلم حاکمان کاخ سفید هستند. ریشه دردهای مشترک ما و شما این است که حاکمان دیکتاتور کاخ سفید که با تبلیغات اغواگرانه رأی مردم را جمع می‌کنند نه نماینده واقعی مردم آمریکا بلکه نماینده سرمایه داران بزرگ صهیونیست هستند و برای جلب رضایت آن‌ها نه فقط حقوق سایر ملت‌ها که حقوق شما را هم ضایع می‌کنند و همیشه منافع صهیونیست‌ها را بر منافع مردم آمریکا ترجیح می‌دهند. ظلمی که سردمداران کاخ سفید در حق مردم آمریکا می‌کنند کمتر از ظلم آن‌ها به سایر ملت‌ها نیست، شاید بیشتر هم هست. برای درک این واقعیت نشانه‌های زیادی وجود دارد.

ایالات متحده ۴ درصد جمعیت جهان را دارد ولی ۲۰ درصد زندانیان جهان در زندان‌های آمریکا هستند، درحالی‌که خیلی از کارهایی که در سایر کشورها جرم تلقی می‌شود در آمریکا جرم نیست.

سالانه بیشتر از ۱۳۰۰ نفر از مردم آمریکا بدون هیچ محاکمه در خیابان با گلوله پلیس کشته می‌شوند، رقمی که حتی در چین و هند هرکدام با یک و نیم میلیارد جمعیت سابقه ندارد.

حاکمان کاخ سفید سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» را نه فقط برای سلطه زورگویانه و چپاول منابع ملت‌های دیگر، بلکه حتی علیه ملت آمریکا به کار گرفته‌اند. شما خودتان شاهد هستید امروز ملت آمریکا را گرفتار چه دودستگی و اختلافات عمیقی کرده‌اند. تفرقه شدیدی که از زمان جنگ‌های داخلی تا کنون سابقه نداشته است.

کاخ سفید همیشه منافع ملت آمریکا و همه ملت‌های دیگر را فدای مطامع اسرائیل کرده است. حتی در سخت‌ترین شرایط اقتصادی درحالی‌که ده‌ها میلیون آمریکایی زیر خط فقر هستند سالانه میلیاردها دلار کمک بلاعوض از پول مالیات‌دهندگان آمریکایی به ارتش اسرائیل اهدا می‌کند تا به کودک‌کشی ادامه دهد؛ و با گرفتن مالیات اضافی برای تأمین هزاران میلیارد دلار

هزینه جنگ‌های بی‌پایان در هزاران کیلومتر دورتر تورم و بیکاری، فقر و کشته‌شدن سربازان و بدنامی را نصیب آمریکا و مرگ، ویرانی و آوارگی را به مردم سایر کشورها تحمیل می‌کند.

کشوری با انبوه دانشمندان و فرهیختگان، هنرمندان و قهرمانان ورزشی که می‌تواند محبوب‌ترین کشور جهان باشد و امروز به‌خاطر عملکرد سیاستمداران فاسد بدنام‌ترین و منفورترین کشور شده است این‌ها و نشانه‌های فراوان دیگر دلایل روشنی هستند که ما و شما همدردیم.

مقصود از مرگ بر آمریکا

پس مقصود از «مرگ بر آمریکا» نمی‌تواند مرگ بر ملت آمریکا باشد که خود مظلوم واقع شده‌اند. «مرگ بر آمریکا» مرگ بر حاکمان ستمگر کاخ سفید است؛ فریاد از درد ظلم است؛ آیا این را هم باید از مظلوم دریغ کرد؟

پادشاهان کاخ سفید هم به ما و هم به شما ظلم می‌کنند، با این تفاوت که ما تصمیم خودمان را برای رهایی از این ستم گرفته‌ایم و آماده قربانی‌دادن در این راه هستیم، چرا که اسلام نظام‌های مبتنی بر زور و قلدری و زاینده‌ی ظلم، جهل، اختناق، استبداد، تحقیر انسان و تبعیض نژادها، ملت‌ها، خون‌ها و زبان‌ها را رد می‌کند و غلط می‌شمرد، و با هر آن نظام و کس که به ستم‌زده‌ی نظام اسلامی کمر بندد با شدت و مقاومت می‌ستیزد، و به‌جز آنان با همه‌ی انسان‌ها - چه هم‌کیش و چه ناهم‌کیش - به محبت و مساعدت امر می‌کند.

هیچ انقلابی از دشمنی نظام سلطه در جهان برکنار نمانده؛ اما تنوع، عمق، گستردگی و خشم آلودگی خصومت‌هایی که در طول ۴۸ سال با ما شده، حکایتی استثنائی و شنیدنی است که در این نامه نمی‌گنجد؛ لکن با مرور فهرست بخشی از ظلم‌هایی که حکمرانان آمریکایی در حق ملت ایران روا داشته‌اند نه تنها به ما حق خواهید داد شب و روز شعار مرگ بر آمریکا بدهیم بلکه خودتان با ما این شعار را تکرار خواهید کرد.

فهرستی کوتاه از ۷۳ سال ظلم و جنایت در حق ملت ایران

جنگی که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد نه شروع یک دشمنی که آخرین پرده از ۷۳ سال ظلم و جنایت دولت آمریکا علیه ملت ایران است. ظلمی که در ۱۹۵۳ با کودتا علیه دولت قانونی ایران و روی کار آوردن شاه دیکتاتور فراری، راه‌اندازی ساواک و شکنجه‌گاه‌های مخوف، کشتار مردم برای هموار کردن راه غارت نفت و استفاده از موقعیت ویژه جغرافیایی ایران برای سلطه بر دیگر کشورها توسط آمریکا آغاز شد و تا امروز ادامه دارد.

در ۱۹۷۹ ملت ایران بر شاه غلبه کرد و به ۲۵ سال شکنجه و کشتار که با کمک ۵۰ هزار مستشار نظامی و غیرنظامی آمریکایی مستقر در ایران انجام می‌گرفت پایان داد. ملت ایران قصد ستم به کسی را نداشت، فقط می‌خواست آزاد و مالک منابع خود

باشد و از ارزش‌های ملی و دینی خود صیانت کند، اما بلافاصله بعد از سقوط دیکتاتوری شاه سفارت آمریکا در تهران که نه سفارت، بلکه لانه جاسوسی و ایستگاه اصلی CIA در منطقه بود با تسلیح اقوام در مرزها، تشویق آن‌ها به جنگ با دولت مردمی انقلاب، سازماندهی آشوب‌های شهری و انجام کودتاهای نظامی مکرر تلاش کرد حکومت مردمی انقلابی را سرنگون کند. مردم ایران برای رهایی از این بحران‌آفرینی‌ها مجبور شدند لانه جاسوسی آمریکا را تصرف کنند و به کار آن پایان دهند.

تروریسم خشن از دیگر خصومت‌های کینه توزانه با انقلاب بود. گروه‌های فاقد پایگاه مردمی با پشتیبانی دولت آمریکا و متحدانش بزرگترین شبکه‌ی تروریستی را ایجاد کردند. ترور فردی و جمعی، انفجارهای مهیب، هواپیما ربائی، آدم‌ربائی، شکنجه و کشتارهای هولناک، کاری بود که به دست گروه‌های تروریستی تحت حمایت آمریکا اتفاق افتاد. قربانیان این موج قساوت و خشونت بیشتر از ۲۰ هزار نفر از همه‌ی قشرها بودند؛ از رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس قوه قضائیه، نمایندگان مجلس، دانشمندان تا افراد عادی جامعه - کارگران، زحمتکشان، زنان و کودکان و رهگذران بی‌خبر.

پس از شکست آن توطئه‌ها دولت آمریکا صدام، دیکتاتور عراق، را به جنگ علیه ایران واداشت. پس از چند سال جنگ و آشکارشدن قرائن شکست صدام، ارتش آمریکا با ایجاد اتاق عملیات مشترک با ارتش بعث ناوهای خود را به منطقه آورد و به‌منظور بحران‌سازی برای نجات صدام شروع به حمله مستقیم به کشتی‌ها و سکوهای نفتی و مسلح کردن رژیم صدام به سلاح‌های شیمیایی برای کشتار شهروندان ایران و عراق کرد و با حمله به هواپیمای مسافری ایران ۲۹۰ زن و مرد و کودک را به شهادت رساندند.

پس از گذشت ۸ سال و شکست در جنگ تحمیلی، کاخ سفید که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به دزدیدن میلیاردها دلار اموال ایران در بانک‌های تحت کنترل دولت مرکزی آمریکا و وضع تحریم‌های اقتصادی کرده بود در اقدامی جدید بی‌سابقه‌ترین تحریم اقتصادی تاریخ را علیه ایران به اجرا گذاشت.

همزمان برای جنگ روانی علیه ملت ایران توسط همان تروریست‌های شکست خورده قبلی که غالباً مسؤولیت جنایات خود را نیز بر عهده گرفتند ده‌ها شبکه ماهواره‌ای در آمریکا و اروپا تحت اشراف سازمان‌های اطلاعاتی به‌راه انداخت که مشغول اجرای جنگ‌های شناختی برای برهم زدن امنیت ایران هستند و گروه‌های تروریستی و اراذل و اوباش را مسلح کرد. اما با وجود چند نوبت تحریک به آشوب در ایران، دولت آمریکا به نتیجه دلخواه خود که سقوط نظام انقلابی ایران بود نرسید. نهایتاً دولت آمریکا برگ جدید خود را که راه‌اندازی داعش و کشتار بی‌رحمانه غیر نظامیان در سوریه، عراق و ایران بود رو کرد. وقتی در جنگی سخت و طولانی، داعش از نیروهای مقاومت شکست خورد، سردار سلیمانی قهرمان جنگ با داعش که با جنگی مبتکرانه داعش را فروپاشیده بود به دستور ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در یک سفر رسمی به عراق توسط بالگردهای آمریکایی ترور شد.

این‌ها فقط بخشی از شرارت‌های دولت آمریکا علیه ملت ایران بود. در فواصل این جنایات بزرگ، شرارت‌های دیگر علیه ما پیوسته جریان داشت. اشغال افغانستان و افزایش تولید مواد مخدر در آنجا و توزیع ارزان قیمت آن بین جوانان ایرانی، ترویج فرهنگ روابط خارج از خانواده از طریق فضای مجازی برای فروپاشاندن خانواده‌ها، راه‌اندازی گروه‌های تروریستی برای انفجار در مراکز مذهبی، آتش‌زدن مساجد، کتابخانه‌ها و مراکز علوم دینی و تحریم‌های دارویی که منجر به مرگ بیماران پروانه‌ای شد و صدها اقدام ضد انسانی و براندازانه دیگر که تنها فهرست آن کتابی مفصل است.

بعد از شکست همه این جنگ‌ها و توطئه‌ها، بی‌نتیجه بودن جنگ‌ها و توطئه‌های با واسطه علیه ایران، دولت آمریکا راه جنگ مستقیم را در پیش گرفت و در ژوئن ۲۰۲۵ با مشارکت رژیم صهیونی وارد جنگ با ایران شد، ولی این جنگ هم به رغم به‌شهادت رساندن بیش از هزار نفر از مردم از جمله ده‌ها دانشمند در خانه‌هایشان به‌همراه بیش از ۱۲۰ کودک با شکست آمریکا و رژیم صهیونی ظرف ۱۲ روز پایان یافت.

آمریکا و اسرائیل ثبات داخلی ایران را علت شکست خود در جنگ ۱۲ روزه دانستند و تصور کردند که اگر ابتدا وضع داخلی را آشفته و سپس حمله کنند پیروز خواهند شد. لذا با اعزام عوامل تروریستی و ارسال انبوه تسلیحات و انجام جنگ روانی و رسانه‌ای در ژانویه ۲۰۲۶ آشوبی به‌راه انداختند و با نفوذ عوامل سیا و موساد به میان معترضان بیش از ۲۳۰۰ نفر از مأموران و مردم بیگانه را به شهادت رساندند تا با افزودن آمار کشتگانی که خودشان عامل قتل آن‌ها بودند نظام اسلامی را متهم به کشتار کنند و با شکاف بین مردم، ایرانیان را به دو دسته تقسیم و به بهانه حمایت از یک طرف وارد جنگ شوند. آن توطئه بزرگ هم با هوشیاری و حفظ یکپارچگی مردم و واکنش به‌موقع نیروهای انتظامی شکست خورد و به جایی نرسید.

دولت بی‌خرد آمریکا بجای عبرت گرفتن و ریشه یابی علل ۴۸ سال شکست مستمر از انقلاب اسلامی، در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ در ائتلاف با صهیونیست‌ها جنگ جدیدی را علیه ما آغاز کرد که تا کنون ادامه دارد. هر روز آثار بیشتری از پیروزی ایران در این جنگ آشکار می‌شود و یقین داریم آمریکا هم به‌زودی طعم شکست نهایی را خواهد چشید.

این فهرست شرارت‌ها که ملاحظه کردید نه ادعایمانه‌ای علیه ملت آمریکا بلکه بخشی از کارنامه سیاه سردمداران رژیم آمریکاست و شعار مرگ بر آمریکا مرگ بر این جنایات است و نه شعاری علیه ملت آمریکا، که خود در صورت مطلع شدن از آنچه دولتشان با ما کرده پای این ادعایمانه را امضا خواهند کرد.

بی دلیل نیست که در ۴۸ سال گذشته هیچگاه روسای جمهور آمریکا حاضر به قرار گرفتن در مقابل یک خبرنگار از جمهوری اسلامی و پاسخگویی به سوالات او نشده‌اند. آن‌ها می‌دانند در چنین مصاحبه‌ای حتی نمی‌توانند افکار عمومی مخالفان جمهوری اسلامی در آمریکا را هم قانع کنند و چیزی جز احرار حقانیت ایران برای آنان به‌دنبال نخواهد داشت.

نسبت سپاه با تروریسم

مثل همیشه نظام سلطه با مفاهیم به میل خود بازی می‌کند، و آن را بر طبق مصالح خود تغییر می‌دهد و همه‌ی امکانات خود را برای جا انداختن آن به کار می‌برد. تروریسم و حقوق بشر نمونه‌هایی از مفاهیم دست‌کاری شده هستند.

از شگفت‌ترین بازیهای سیاست این است که مظلوم‌ترین قربانیان تروریسم کور و خشن به تروریسم متهم می‌شوند، آن هم از سوی کسانی که خود در سازماندهی و تشویق تروریست‌ها نقش اصلی را دارند. کسانی را که علیه ظلم و اشغالگری قیام کنند تروریست می‌نامند و بلافاصله بعد از تسلیم شدن و مشارکت در جنایات اشغالگران، آن‌ها را از فهرست تروریستی خارج می‌کنند و هیچ معیاری جز عمل به مصالح صهیونیسم در این زمینه وجود ندارد.

درباره‌ی انقلاب ما و سپاه پاسداران که برای محافظت از آن تأسیس شده است بیش از معمول سخن مغرضانه یا جاهلانه گفته شده است. این انقلاب حتی در شروع خود صددرصد مردمی بود، نه یک گروه چریکی مسلح، نه یک حزب فعال سیاسی نظامی، نه گروهی از افسران انقلابی و آزادیخواه و نه هیچیک از دیگر انواع رایج و معمولی - که تحولات انقلابی کشورها را

پدید می‌آورند - در انقلاب ما وجود و حضور و فعالیت نداشتند؛ فقط مردم بودند و مردم، آن هم کاملاً بی‌سلاح و دست خالی؛ سلاح آنان ایمانشان، اراده‌ی نیرومندشان و خونشان بود. در انقلاب ما در حقیقت خون بر شمشیر پیروز شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس قانون اساسی ایران نهادی کاملاً مردمی با میلیون‌ها عضو از مردم برای حفاظت از انقلاب تشکیل شد. نام این نهاد «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» گذاشته شد تا با بسیج میلیونی مردم از استقلال و آزادی و دستاوردهای انقلاب مردم در مقابل توطئه‌ها حفاظت کند. اگر امروز می‌بینیم دولت آمریکا و بعضی دول استعمارگر اروپایی سپاه را تروریست می‌خوانند علت آن این است که مهم‌ترین سد راه آن‌ها در پیشبرد کودتاها، ترورها، توطئه‌ها و جنگ‌های تحمیلی و سایر اهداف استعماری که فهرست بخشی از آن را ملاحظه کردید سپاه بوده است.

جرم سپاه پاسداران این است که عامل اصلی شکست دشمن در این جنگ‌ها و اقدامات تروریستی بوده است. ما فهرست بلندی از صدها شخصیت برجسته سیاسی مذهبی و علمی از کشورهای منطقه داریم که توسط آمریکا و اسرائیل و هم‌پیمان‌های آن‌ها ترور شده‌اند، اما مدعیان تروریست‌بودن سپاه دستشان از هر سندی خالی است.

هر موسسه علمی تاریخ ۴۸ ساله انقلاب اسلامی را مورد تحقیق و مطالعه قرار دهد درمی‌یابد سپاه نه یک نهاد تروریستی بلکه بزرگ‌ترین و موفق‌ترین نهاد مقابله با تروریسم جهان است.

چرا دولت آمریکا رو به زوال است

ستمگری و زیاده‌روی در ظلم و خونریزی، رواج دروغ، تقدم جایگاه فرومایگان بر فضا و دانشمندان، سرگرم‌شدن به مسائل فرعی و غفلت از مسائل اصلی مواردی است که حکمای برجسته تاریخ آن‌ها را از علانم پایان و زوال حکومت‌ها می‌دانند و تمام این ویژگی‌ها بر وضعیت امروز حکمرانی آمریکا انطباق دارد.

اگر «کاخ سفید» بر مبنای ماهیت، و نه رنگ بنا نامگذاری شود «کاخ ستم» برازنده‌ترین نام است.

تاریخ تجاوز و خشونت آمریکا در جهان

تنها ایران در معرض جنایات فجیع دولت آمریکا نبوده است. از اواسط قرن بیستم که آمریکا در قالب یک ابرقدرت ظهور کرد حداقل ۷۰ کشور مورد تجاوز نظامی یا کودتاها و دخالت‌های مستقیم خرابکارانه آمریکا قرار گرفته‌اند. مردم کشورهای متعدد جهان مانند ژاپن، کره، ویتنام، کامبوج، فیلیپین، لیبی، سودان، افغانستان، عراق و سوریه کشتارهای جمعی صدها هزار نفره و گاهی نسل‌کشی‌های میلیونی توسط ایالات متحده را تجربه کرده‌اند و ده‌ها کشور دیگر مانند کوبا، مکزیک، نیکاراگوئه، ونزوئلا، پاناما، شیلی، برزیل، لبنان و فلسطین و... زخم‌های سنگین از رژیم آمریکا بر تن دارند.

اغلب دیکتاتوری‌های خشن، دول کشورهای فاقد دموکراسی و پادشاهی‌های بدون انتخابات، متحدان اصلی آمریکا هستند. دشمنی آمریکا با کشورهایی است که قوی‌ترین دموکراسی‌ها و بیشترین اتکا به آراء مردم را دارند. هرچا حرف از کودتا و سرنگونی دولت‌های مردمی است دست CIA پیداست. همین واقعیت‌ها امروز هیئت حاکمه آمریکا را منفورترین شخصیت‌ها

نزد مردم عالم کرده است و به همین دلایل مردم دنیا آمریکا را شیطان بزرگ می‌دانند و در همه تجمعات آزادیخواهانه و تظاهرات عدالتخواهانه در جهان پرچم آمریکا بعنوان نماد ظلم به آتش کشیده می‌شود و امروز مردم دنیا دو ارتش آمریکا و اسرائیل را با نام ارتش‌های کودک‌کش می‌شناسند.

با حمایت‌های بی‌پایان و کمک‌های صدها میلیارد دلاری کاخ سفید، ۸۰ سال است جهان از ظلم به مردم فلسطین در رنج است. این ستم‌ها در سه سال اخیر اوج گرفت و به نسل‌کشی بیش از ۷۳۹۰۰ نفر در غزه و حادثه دردناک قتل بیش از ۲۱۷۰۰ کودک معصوم و ویران شدن ۳۱۵۰۰۰ خانه انجامید. تمام مراکز درمانی غزه با بمب‌های آبدایی آمریکا ویران شد، حتی اکسیژن نوزادان یک روزه را قطع کردند و ده‌ها نوزاد نارس را جلوی دوربین‌ها کشتند. هنوز تعدادی از پزشکان و پرستاران زندانی‌اند، یازده دانشگاه و ۵۶۰ مدرسه را با خاک یکسان کردند. دو میلیون انسان در بدترین شرایط و تحریم‌های غذا، آب، برق، دارو و سوخت قرار دارند. شدت جنایات به اندازه‌ای از حد خارج شده که برای انسانی که ذره‌ای وجدان داشته باشد قابل تحمل نیست، تا جایی که شاهد بودیم نظامی آزاده و جوانمرد ارتش آمریکا، مرحوم «آرون بوشنل»، در اعتراض به آن جلوی سفارت رژیم صهیونی در واشنگتن با بنزین، خود را آتش زد و از دنیا رفت.

دروغ، پایه حکمرانی آمریکا

اصلی‌ترین تصمیمات سرنوشت‌ساز کاخ سفید بر پایه دروغ بنا می‌شود. در آنجا دروغ‌ها پایان ندارند، دروغ‌هایی که هریک در جهان فاجعه‌ای آفریده‌اند. آن‌ها از رسوایی این دروغ‌ها ابایی ندارند؛ دروغ نقش افغانستان در حمله به برج‌های دوقلو، دروغ وجود سلاح‌های نامتعارف در عراق و.... و دروغ قرن یعنی ادعای بمب هسته‌ای ایران است که یک فرد ساده‌لوح هم می‌تواند دروغ‌بودن آن را تشخیص دهد.

- از ۲۵ سال پیش کاخ سفید مدعی است ایران چند ماه یا چند هفته بیشتر با ساخت بمب اتم فاصله ندارد. اگر این حرف دروغ نبود و ایران چنین نیتی داشت چرا بعد از ۲۵ سال این راه چند هفته‌ای طی را نکرده است؟
- اگر ادعای کاخ سفید مبنی بر نگرانی از مسلح‌شدن ایران به بمب اتم دروغ نیست چرا رئیس‌جمهور آمریکا قرارداد «برجام» را که بین ایران، آمریکا، چین، روسیه و ۳ کشور اروپایی امضا شد و با نظارت مستمر آمریکا و اروپا تضمین‌کننده عدم ساخت بمب هسته‌ای توسط ایران بود و با تصویب شورای امنیت سازمان ملل به جریان افتاده بود را پاره کرد.
- اگر بیانیه‌های رسمی و اظهارات مکرر رئیس‌جمهور آمریکا که بعد از تجاوز خرداد ۱۴۰۴ به ایران بارها اعلام کرد تمام توانایی اتمی ایران را نابود کرده ایم دروغ نبود چرا در ۹ اسفند ۱۴۰۴ به همان بهانه باز به ایران حمله شد؟ چرا بعد از چندمین حمله با ادعای نابودی کامل فناوری هسته‌ای ایران باز هم وجود توانایی هسته‌ای بهانه ادامه جنگ با ایران است؟
- اگر ادعای حمله به ایران برای پیشگیری از مسلح‌شدن ایران به بمب اتمی دروغ نبود چرا در آغاز حمله بزرگترین مرجع دینی شیعیان جهان که فتوای استثنایی حرام بودن بمب اتمی را صادر کرده بود را به شهادت رساندند؟

یک سفر کوتاه به ایران به شما ثابت خواهد کرد که کاخ سفید در مورد همه چیز ایران مدام به جهان دروغ می‌گوید؛ از اتهام دیکتاتوری و کشتار مردم تا وضعیت علمی و اقتصادی ایران و روابط مردم با حکومت و همه چیزهای دیگری که در مورد ایران به شما گفته‌اند.

کاش دروغ‌های کاخ سفید فقط در مورد ایران و سایر کشورها بود. آن‌ها بیش از همه کس در مورد خود آمریکا به شما دروغ می‌گویند. ترامپ گفت به تمام جنگ‌ها پایان خواهد داد، به مداخله آمریکا در جهان پایان خواهد داد، باتلاق واشنگتن را خشک خواهد کرد و در برابر میلیاردرها خواهد ایستاد؛ اما همه دیدیم وقتی از مردم رأی گرفت جنگ‌ها در اوکراین، غزه، لبنان و یمن با مداخله او تشدید شد که هیچ، بعد از به قدرت رسیدن معلوم شد جنگ‌افروزیترین رئیس آمریکاست و با اضافه کردن جنگ ایران به جنگ‌های موجود فاجعه‌بارترین جنگ تاریخ آمریکا را کلید زد، جنگی که به سلطه آمریکا پایان خواهد داد. علاوه بر این جنگ یمن و عربستان هم دوباره شروع شد. آن‌ها در مورد آمار تلفات انسانی و خسارات ارتش در این جنگ‌ها و حتی در مورد هزینه‌های جنگ به شدت به شما دروغ می‌گویند و آن را ده‌ها برابر کمتر از واقعیت جلوه می‌دهند.

وعده دروغ خشک کردن باتلاق واشنگتن که عملی نشد؛ به جای تحقق وعده پایان جنگ‌ها و مداخله‌ها درگیری‌های زیادی مثل گرینلند و کانادا هم به دردهای آمریکا اضافه شد؛ وعده دروغ ارزانی و فراوانی هم با روگردانی کشورها از خرید اوراق قرضه آمریکا و رسوایی و گرانی سوخت ارزاق و قرار گرفتن اقتصاد آمریکا در آستانه فروپاشی مواجه شد.

وقتی جامعه آمریکا که راستگویی را یک ارزش معتبر در میان خود می‌داند پیوسته زمام امور خود را به اینگونه دروغ‌گویان بسپارد چه سرنوشتی جز زوال را باید به انتظار بکشد؟

تقدم فرومایگان بر فضلا و دانشمندان

قرارگرفتن رهبرانی بی‌خرد و بدون حکمت در راس کشور که فقط تا نوک بینی خود را می‌بینند و بدون دوراندیشی و آینده‌نگری اهداف و برنامه‌های غلطی را دنبال می‌کنند که برای رفع تبعات آن باید چندین برابر هزینه کنند و «چرخه‌های معیوب» را به راه می‌اندازند که مثل گرداب کشورتان را درون خود می‌کشد.

میلیاردها دلار خرج بمباران و کشتار بی‌گناهان می‌کنند؛ وقتی موج تنفر جهانی علیه دولت‌های آمریکا و اسرائیل برمی‌خیزد دوباره چند میلیارد دیگر به رسانه‌ها پول می‌دهند که چهره نفرت‌انگیز آن‌ها را بزرگ کنند. در میان ۸ میلیارد نفوس عالم آیا کسی هست که عملکرد ارتش آمریکا در ویتنام را تحسین کند؟

میلیاردها دلار خرج دخالت، ناامن‌سازی و به هم ریختن امنیت کشورهای استقلال طلب می‌کنند و یا با غارت ثروت‌های کشورها مردم آن‌ها را در فقر نگه می‌دارند، در نتیجه سیل مهاجرت مردم کشورهای فقیر و آشوب زده به غرب سرازیر می‌شود؛ آن وقت مجدداً میلیاردها دلار خرج کنترل و اخراج مهاجران می‌کنند.

به طمع سیطره بر کل اقتصاد جهان طرح جهانی‌سازی اقتصاد می‌ریزند و بدون عاقبت‌اندیشی ۲۰ سال در شیپور تجارت آزاد و ممنوعیت تعرفه‌گذاری می‌دمند. وقتی در نتیجه این کار بخش اعظم تولید از آمریکا کوچ کرد مجدداً بدون دوراندیشی و با دستپاچگی دست به وضع تعرفه‌های سنگین و عجیب می‌زنند و اوضاع را خراب‌تر می‌کنند.

برای سود بیشتر از تعهدات زیست محیطی خارج می‌شوند و سپس برای تأمین هزینه رفع آلودگی‌ها مالیات بیشتری وضع می‌کنند.

سرگرم شدن به مسائل فرعی و غفلت از مسائل اصلی

رئیس جمهور آمریکا کشور را مشغول امور فرعی مانند سالن رقص کاخ سفید، تغییر نام دریاچه انتاریو و خلیج مکزیک، رنگ آمیزی استخر انعکاس، درج نام خود بر تابلوهای مرکز کندی می کند و پرونده مسائل اصلی مانند کنترل تورم رو به افزایش، سلامت آمریکاییان، هزینه مسکن و... روی زمین می ماند.

با تصمیماتی احساسی و بر اساس اطلاعات غلط بازماندگان رژیم استبدادی شاه برای تشویق مردم ایران به شورش علیه نظام هزاران موشک پیشرفته چند میلیون دلاری به واحدهای کوچک انتظامی و بسیج و ایستهای بازرسی که قیمت ساختمانهای تخلیه شده هرکدام به ده هزار دلار هم نمی رسد شلیک کردند و ذخایر موشکی خود را برای اهدافی بسیار کم ارزش هدر دادند. که آن هم نتیجه ای کاملاً معکوس بدنبال داشت و ایرانیان را نه به شورش علیه جمهوری اسلامی بلکه به قیام علیه آمریکا تشویق کرد، به گونه ای که در یک واقعه بی نظیر و تاریخی ۲۱۰ شب است که بدون حتی یک شب تعطیلی میلیون ها نفر از مردم در سراسر ایران در خیابان ها علیه آمریکا تظاهرات و تجمع می کنند.

کافی است گزارش پیشرفت های سریع چین در هوش مصنوعی و فناوری کوانتوم و عقب ماندگی آمریکا در همین هفت ماهی که رئیس جمهور شما ظرفیت های ملی آمریکا را سرگرم مسئله ای فرعی و جنگی بی نتیجه کرده است بررسی کنید تا بفهمید چرا آمریکا در حال سقوط است.

نمونه سرگرم شدن آمریکا به مسائل فرعی، جنگ های بیهوده، پرهزینه و بی فایده در افغانستان و عراق است. ارتش آمریکا در ظاهر به بهانه کمک به مردم عراق و افغانستان این دو کشور را اشغال کرد، در شرایطی که مردم این دو کشور در درگیری با دولت مرکزی بخش هایی را از کنترل دولت خارج کرده بودند، اما با رفتار جنایتکارانه ای که با راه اندازی شکنجه گاه ها و انجام کشتارهای جمعی غیر نظامیان داشت، مردم را علیه خود برانگیخت و آن ها را برای مبارزه و اخراج آمریکا مصمم کرد. در افغانستان بعد از بیست سال جنگ با ۳ تریلیون دلار هزینه و براساس آمار رسمی دولت آمریکا (آمار واقعی خیلی بیشتر است) با حداقل ۲۳۵۴ کشته از سربازان آمریکایی و ۱۶۸۰۰۰ قربانی افغانستانی دستاورد ارتش آمریکا این بود که با بجا گذاشتن ۸۵ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات، مفتضحانه از آنجا فرار کرد. سفارت آمریکا در کابل تعطیل و همه آمریکایی ها از آنجا اخراج شدند و حکومت به دست همان جریانی افتاد که بیست سال قبل از آن آمریکا برای کنار گذاشتن آن جریان به افغانستان حمله کرده بود.

اگر رهبری آمریکا اندکی خرد بکار می گرفت با کمتر از ۳ درصد هزینه جنگ افغانستان، به عبارت دیگر با پولی کمتر از هزینه ی سلاح هایی که در افغانستان بجا گذاشت، می توانست برای هر خانواده افغانستان یک خانه بسازد و با نمک گیر کردن مردم، پرچم آمریکا را که امروز در کابل زیر پای مردم لگدمال می شود برای چند نسل در افغانستان بالا نگه دارد؛ ولی وقتی کسی در فرماندهی کل قوای آمریکا قرار می گیرد که اولویت او پر کردن جیب شرکایش در کارخانه های اسلحه سازی است، حتی برای استعمار کردن هم شیوه درست را به کار نمی بندد. نتیجه نهایی این رفتارها آن است که دیگر کسی نمی تواند به ملیت آمریکایی خود افتخار کند.

در عراق بعد از هشت سال و هشت ماه جنگ با ۴ تریلیون دلار هزینه و بر اساس آمار رسمی دولت آمریکا ۴۸۰۰ کشته از سربازان آمریکایی و دست کم ۲۶۵۰۰۰ قربانی عراقی دستاورد ارتش آمریکا این شد که دولت هم پیمان آمریکا در جنگ با ایران

(صدام) سقوط کرد و دولت‌های همکار ایران یکی پس از دیگری روی کار آمدند، مجلس عراق طرح اخراج آمریکا را تصویب کرد و همه پایگاه‌های ارتش آمریکا بجز یکی برچیده شده و آن پایگاه باقیمانده در اربیل هم که در جنگ مرتباً زیر آتش مردم عراق بود این روزها در حال خروج اجباری نیروها از عراق است.

دولت آمریکا نه تنها در این دو کشور به شدت منفور است، به گونه‌ای که هیچ کارگزار آمریکایی جرأت ندارد حتی با گارد حفاظتی در خیابان‌های کابل یا بغداد راه برود، بلکه اخبار شکنجه‌گاه‌های ابوغریب، بگرام و گوانتانامو و انتشار تصاویر آن‌ها انزجار از آمریکا را در جهان به اوج رساند.

نتایج اقتصادی مشغول شدن به کارهای فرعی و جنگ‌های بی حاصل

این جنگ‌های پرهزینه و بی حاصل در چند دهه اخیر برای اقتصاد و توسعه آمریکا جز نکبت چیزی نداشته است. سهم آمریکا در تولید ناخالص جهان از ۲۳/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۴ درصد کاهش یافته است، هزینه‌های بدون دستاورد اقتصادی مانند صدها میلیارد دلاری که برای کمک به ترویت‌ها و راه‌اندازی صدها رسانه ضد ایرانی و راه‌اندازی آشوب هزینه شد و به‌ویژه ۸ تریلیون دلار هزینه جنگ بی نتیجه در منطقه غرب آسیا آمریکا را با بیش از ۴۰ تریلیون دلار بدهی، مقروض‌ترین کشور جهان در تاریخ کرده است و این بدهی روزافزون دارد بهمن‌وار اقتصاد شما را با سرعت در خود می‌بلعد.

آمریکا از کشوری که درآمد اصلی آن صادرات فناوری‌های پیشرفته بود به کشوری جهان‌سومی شبیه شده که باید از خام‌فروشی منابع زیرزمینی ارتزاق کند. در این سال‌ها آمریکا از مهم‌ترین صادرکنندگان ذغال سنگ و نفت خام در جهان شده است. صادرات نفت خام آمریکا از ۵۰۰ هزار بشکه در سال ۲۰۱۵ به بیشتر از ۴ میلیون بشکه در روز رسیده است. برای سرپا نگهداشتن اقتصاد آمریکا شما باید مواد خام را بفروشید تا کشورهای پیشرفته صنعتی کالاهای مصرفی را تولید کنند و به آمریکا صادر کنند. این واقعیت اقتصاد شماست.

برای نجات اقتصاد رو به سقوط دولت آمریکا با دستپاچگی جهانی‌سازی اقتصاد، تجارت آزاد و دنیای بدون تعرفه که پیش از این تکامل اقتصاد لیبرالی محسوب و به آن افتخار می‌شد را دور انداخت و با چرخش ۱۸۰ درجه‌ای به تعرفه‌های غیرمعقول متوسل شد و با رفتاری نامتعادل تمام متحدان خود را به دشمنان درجه یک آمریکا بدل کرد.

آثار این وضعیت وخیم را می‌توان در ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر و جمعیت میلیونی زاغه‌نشین‌ها و کارتن‌خواب‌ها در شهرهای بزرگ آمریکا دید و این تازه آغاز راه است. آیا واقعاً چنین تصمیم‌گیرندگانی صلاحیت آن را دارند که اختیار جنگ و صلح مسلح‌ترین کشور جهان را به آن‌ها بسپارید؟

حکمرانان آمریکا به‌خاطر منافع شخصی و جلب همکاری زران‌دوزان بزرگ صهیونیسم بین‌الملل ترجیح می‌دهند برای جلب نظر کمتر از بیست میلیون صهیونیست در دنیا، آمریکا را رودرروی دو میلیارد مسلمان قرار دهند. این روند نظام حکمرانی آمریکا را به نابودی می‌برد. عصر ملت‌ها فرا رسیده و اینگونه روابط زورگویانه قابل دوام نیست.

در طول تاریخ هر کشوری که ابرقدرت یگانه جهان شده بیشتر از صد سال قدرت جهانی خود را حفظ کرده، به جز آمریکا که دوره ابرقدرتی بلامنازعش با بی‌تدبیری و فساد رهبران نالایق در کمتر از سی سال پایان یافت.

راه رهایی و نجات مردم آمریکا از فروپاشی و تبعات تجاوزات ظالمانه

چگونه می‌توان جلوی این روندهای زوال‌برنده آمریکا را گرفت و ملت آمریکا را از سرنوشت شوم ناشی از فروپاشی نجات داد؟ پاسخ این سوال را خدا در کتب مختلف آسمانی داده است.

کتاب مقدس، عهد عتیق، ارمیا در ۱۸: ۷-۱۰ می‌فرماید: ۷- گاه در مورد قومی یا مملکتی اعلام می‌کنم که آنرا از ریشه برکنم و فرو ریزم و نابود سازم ۸- اما اگر آن قوم که درباره‌اش سخن گفته‌ام از شرارت خود برگردد من نیز از بلایی که قصد داشتم بر آن وارد کنم باز می‌گردم ۹- و گاه در مورد قومی یا مملکتی اعلام می‌کنم که آن را بنا کنم و بکارم ۱۰- اما اگر آن قوم در نظر من بدی کند و به صدای من گوش ندهد من نیز از خیری که قصد داشتم در حق آن‌ها انجام دهم، باز می‌گردم.

همین مضمون با صراحت در قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، هم اینطور آمده است:

خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آن ملت خود به تغییر خود بپاخیزد. (قرآن کریم ۱۳: ۱۱)

تا حرکتی از سوی شما نباشد خدا در سرنوشت شما تغییری نخواهد داد. بحمدالله وجدان ملت آمریکا بیدار شده است. آنچه در ابراز انزجار پی‌درپی ملت آمریکا در تظاهرات ضد نسل‌کشی در سه سال اخیر شاهد بوده‌ایم و در تظاهرات «نه به شاه» در ابراز انزجار از قرارگرفتن ساختار حکومتی آمریکا در سرایشی دیکتاتوری قابل مشاهده است حاکی از بیدارشدن وجدان جمعی شماست.

اعتراضات دانشجویان و اساتید به دولت و امتناع آنان از انجام طرح‌های تحقیقاتی مرتبط با اهداف نظامی و دولتی و موسسات مشکوک به همکاری با نیروهای مسلح کاملاً بجاست. دانشجوی و استاد محقق وقتی می‌بیند حاصل تلاش علمی او نه برای دفاع از کشور، بلکه برای کشتار کودکان و زنان بی‌دفاع و حمله به بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها و منازل مسکونی استفاده می‌شود افسرده می‌شود و نمی‌تواند سر آرام بر بالین بگذارد.

آمارها نشان می‌دهد اکثریت مردم آمریکا به‌ویژه جوانان دیگر نمی‌خواهند در جنایات علیه دیگر ملت‌ها به‌خصوص ملت مظلوم و مقاوم فلسطین شریک باشند. علاوه بر این، بسیاری که خود از رأی‌دهندگان به دولت فعلی آمریکا بوده‌اند، با دیدن سیاست‌های فاجعه‌بار آن پرسش‌های اساسی مهمی دارند و خواستار تغییر اساسی در این سیاست‌ها از جمله در جنگ علیه ایران هستند.

مردم دنیا از شما می‌خواهند کار را تمام کنید. بپاخیزید و به این وضعیت نکبت‌بار پایان دهید. اجازه ندهید دولت شما عادت شرم‌آور استعماری را ادامه دهد و با زور سرنیزه ارتش یا تزویر دستگاه‌های جاسوسی دیکتاتورها را بر کشورها حاکم کند و با کمک آن‌ها منابع کشورها را غارت و هر کشوری که می‌خواهد مستقل باشد و بر منابع خود مدیریت کند را با کشتار سرکوب کند. کشتار و دزدی ثروت سایر کشورها چیزی جز نفرت آن‌ها نسبت به آمریکا نمی‌افزاید؛ شما نخواهید توانست از اقتصادی که روی خون مظلومان بنا شده لذت ببرید.

برای رونق اقتصاد آمریکا کافیس ۸۰۰ پایگاه نظامی پرهزینه، بی‌خاصیت و دردسرافزین را از سراسر دنیا جمع کنید و ارتش را به آمریکا برگردانید، به کمک‌های بی‌پایان به اسرائیل خاتمه دهید، وارد جنگ‌های بیهوده و تجاوزکارانه نشوید، صدها رسانه و شبکه جاسوسی پرهزینه برای کودتا، حمایت از دیکتاتورها و مداخله و برهم‌زدن امنیت کشورها را تعطیل کنید و هزاران

میلیارد دلار هزینه این کارها را به عرصه تحقیق و تولید و خدمات بیاورید تا به اقتصاد برتر برگردید و زندگی مرفهی داشته باشید.

این شرم آور است که اقتصاد کشور بزرگی مثل آمریکا با دزدی ثروت دیگران و به بهای فقیر کردن دیگر کشورها اداره شود. صرف نظر از رفتار رهبران مؤسس آمریکا با بومیان آن سرزمین و تاریخ برده‌داری و نژادپرستی، امروز سرزمینی بسیار غنی با منابع بی‌پایان زیرزمینی، ذخایر بزرگ انرژی و آب و خاک حاصلخیز و سواحل و رودخانه‌های طولانی در اختیار شماست. اگر شما در انتخاب رهبری‌تان شاخص‌های دانشمندی، حکمت، درستکاری، راستگویی و اخلاق انسانی را ملاک قرار دهید می‌توانید بدون دست‌درازی به ثروت دیگران زندگی مرفهی برای مردم آمریکا فراهم آورید و امیدوار باشید که دولت آمریکا بخشی از تاریخ نکبت‌بار خود را جبران کند.

وجدان و شرافت انسانی اجازه نمی‌دهد دولتمردانی را در راس آمریکا قرار دهید که مقاومت مشروع مردم فلسطین و لبنان برای دفاع از سرزمینشان در مقابل اشغالگران را تروریسم بخوانند و آن‌ها را مستحق نسل‌کشی بدانند و کشتن بیش از ۲۱ هزار کودک غزه و حتی نوزادان یک‌روزه را حق دفاع مشروع رژیم صهیونی تعبیر و به آن افتخار کنند. مبدا با رای خود کنگره‌ای را انتخاب کنید که باز هم ارتش آمریکا را در کشتار ۴۰۰ دانش‌آموز معصوم ایرانی مؤاخذه و تنبیه نکند و حتی یک عذرخواهی لفظی به‌خاطر این جنایت انجام ندهد.

در خصوص روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر این اصل طلایی مشترک در تمام ادیان و مکاتب دینی و غیر دینی جهان شمول است: «آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند» در تعالیم تمام رهبران اسلام این موضوع تکرار شده است. حتی در تلمود یهود آمده: «آنچه را خود نفرت داری در حق هم‌نوعت روا مدار»، همانطور که تعالیم انجیل می‌گوید «با دیگران همانطور رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند» (متی ۷:۱۲، لوقا ۶:۳۱). به وجدان خود رجوع کنید؛ آیا هیچکدام از شما دوست دارید در شهرهای آمریکا مانند غزه و جنین سیصد هزار خانه با خاک یکسان شود؟ و یا روستاهای آمریکا مانند ده‌ها روستا در جنوب لبنان با انفجار از روی زمین محو شود؟ آیا می‌پسندید که با مدارس شما کاری را که ارتش آمریکا با مدرسه میناب کرد انجام شود؟

بی‌شک اگر کمک‌های بی‌پایان آمریکا به رژیم صهیونی و تبعیت محض کاخ سفید از اسرائیل نبود اغلب این جنایات انجام نمی‌شد. نسل‌کشی در فلسطین و لبنان و جنگ‌های بی‌پایان با پول مالیات‌های شما انجام می‌شود و مردم جهان از شما برای جلوگیری از این جنایات انتظار دارند.

می‌دانیم پاسخ شما این است که: «ما هم این کارها را قبول نداریم ولی کاری از دستان ساخته نیست» اما این پاسخ پذیرفته‌شده نیست، چرا که این شما هستید که دولت و کنگره‌ای را که حامی این جنایات هستند را با آراء خودتان تشکیل می‌دهید. هرچند آن‌ها غالباً مثل ترامپ با خدعه و وعده پایان‌دادن به این جنگ‌ها رأی شما را می‌گیرند؛ اما تطبیق شخصیت و کارنامه این افراد با شاخص‌های رهبری شایسته برای شما کار چندان سختی نیست. شما ملت بزرگی هستید. ریاست فرومایگان شما را تحقیر می‌کند و به پستی سوق می‌دهد. کسی که شما را اینطور حقیر به جهان معرفی می‌کند که گویی می‌شود باورها و آراء شما را در انتخابات با وعده پنج هزار دلار خرید لایق ریاست بر شما نیست.

این جنگ به کجا خواهد رسید؟

رهبر شهید ما هشدار داده بودند که اگر دشمن حمله کند جنگ منطقه‌ای خواهد شد. کاخ سفید باور نکرد، غافلگیر شد و به بن‌بست رسید. ایشان فرمودند «اگر اتفاقی بیفتد ملت ایران مبعوث خواهند شد و کار را تمام خواهند کرد» آن پیش‌بینی هم محقق شد و میلیون‌ها ایرانی ۷ ماه است هر شب برای خونخواهی امام شهیدشان در خیابان‌ها هستند.

اینک این هشدارها باید جدی گرفته شود. افراط در ظلم و جنایت جامعه بشری را از خشم لبریز و چون انبار باروت آماده انفجار کرده است. ادامه جنایات آمریکا ملت‌های عدالتخواه جهان را مبعوث و انفجار خشم مردم همه منافع آمریکا و شرکت‌های آمریکایی در جهان را به آتش خواهد کشید. اقتصاد آمریکا با زلزله مواجه می‌شود و زندگی همه شما تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

آن کسانی که می‌توانند این سرنوشت شوم را تغییر دهند خود شما مردم آمریکا هستید. حساب خودتان را از اشغالگران فلسطین که خواه ناخواه باید آنجا را ترک کنند و به کشورهایشان برگردند جدا کنی. د ما می‌توانیم همزیستی مسالمت‌آمیزی با هم داشته باشیم. دولت یاغی، کودک‌کش، شهوتران و بی‌خرد را کنار بگذارید امورتان را بجای اراذل به اندیشمندان بسپارید و به آن‌ها یادآوری کنید که دنیا عوض شده است، مردم جهان بیدار شده‌اند، دوره غارت ثروت ملت‌ها با زور سرنیزه به پایان رسیده است. «این قرن غلبه اراده ملت‌هاست». ادامه این مسیر ضد انسانی سرنوشت دردناکی را برای آمریکا رقم خواهد زد که «روز مظلوم علیه ظالم از روز ظالم علیه مظلوم خیلی سخت‌تر خواهد بود».

با وجود همه سختی‌ها و فشارهای دشمنان، ما همانند ۴۸ سال گذشته به مبارزات خود برای آزادی بشر از زورگویی و استکبار ادامه می‌دهیم. به‌زودی فلسطین اشغالی آزاد خواهد شد. ما منتظریم تا حضرت مسیح علیه‌السلام به همراه حضرت مهدی علیه‌السلام، وصی آخرین پیامبر خدا محمد (ص)، برگردد و بشریت را برای رهایی از همه ظلم‌ها رهبری کنند و معلوم است که مهدی و مسیح علیهم‌السلام در کنار مظلومان پاک و عدالتخواه می‌ایستند و نه در کنار زورگویان فاسد و مستکبر. دوست داریم در آن روزها شما مردم آمریکا را هم در کنار خودمان و در جبهه مستضعفان عدالتخواه ببینیم و نه در جبهه ستمگران جنایتکار که شکست و فروپاشی آن‌ها قطعی است.

به امید پایان ظلم‌ها و تجاوزها، آزادی همه ملت‌ها از اسارت مستکبران و زندگی در برادری و صلح جهانی.

ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون (قرآن کریم ۲۱:۱۰۵)